

جنگ آلمان و شوروی

در اواخر ماه ژانویه آلمانیها میتوانند ادعا کنند که تقریباً موفق به ترمیم وضع از دست رفته خود شده‌اند . سازمان دفاعی آنان طوری بود که میتوانند در مقابل حملات روسها در کلیه نقاط دفاعی مقاومت و پایداری نمایند . چنین بنظر میرسد که روسها از موقعیت استفاده کامل نموده و در آن لحظه که ضعف بر آلمانیها غالب شده بود فشار لازم را وارد نیاورده‌اند . البته این عدم استفاده از موفقیت نباید بهیچوجه از اهمیت آنچه که روسها در تحت آن شرایط سخت توانستند بدست آورند بکاهد اقدام بحمله متقابل با نتیجه مثبت پس از پنج ماه جنگ سخت ، عقب نشینی های بی درپی و با آن تلفات سنگین را باید یکی از موفقیت‌های بزرگ نظامی دانست . دشواریها و اشکالات هر آن روبفرونی می‌نهاد و شدت سرمای زمستان دم‌بدم طاقت فرساتر میگردد .

در ماه فوریه تغییر غریبی در ماهیت جنگ بوجود آمد . فرماندهی آلمان ظاهراً بر اثر مشاهده قدرت روسها در ادامه این نوع جنگ زمستانی سخت در شکست افتاده بود . این پیش‌آمد قاعدتاً نمی‌بایست آلمانیها را دچار شکستی نموده باشد زیرا در نوزدهم و بیستم ژانویه ۱۹۳۹ در روزنامه «میلیتار روخن بلات» در طی دو مقاله مهم نظامی نوشته شده بود که برای اقدام بعملیات جنگی در یک چنین موقعی از سال باید افراد ورزیده و تعلیم یافته مخصوص این نوع عملیات را درست داشت . یعنی افراد نظامی باید در تحت روش‌های مختلف تعلیماتی قرار گیرند . روسها این قسمت را پیش بینی نموده و تجربیاتی را که در جنگ روس و ژاپن بدست آورده بودند قبلاً بکار برده بودند . در اوائل سال ۱۹۰۵ پس از موفقیت قطعی ژاپنی‌ها در «مکدن» چنین بنظر میرسد که روسها با شکست کامل مواجه شده‌اند لکن سرمای زمستان «منچوری» چنان در ژاپنیها

مؤثر واقع شده بود که فرمانده ارتش ژاپن بدون آنکه منتظر حمله بهاره شود دستور عقب نشینی صادر نمود. همچنین در سالهای ۱۷ - ۱۹۱۴ روسها تجربیات زیادی راجع به جنگهای زمستانی در لهستان بدست آورده بودند. با آنکه آلمانیها هم دارای همین تجربیات بودند با اینوصف باید در نظر داشت که سرمای زمستان سالهای نامبرده بشدت سرمای سال ۱۹۴۲ نبود. آلمانیها بدون توجه به تجربیات قبلی و با اعتماد باینکه خواهند توانست در مدت کوتاه قباستان کوی موفقیت را بر بایند سازمان، تجهیزات و آموزش ارتش نوین خود را بر اساس جنگ بر علیه ارتش و سلاح های جبهه باختر و در هوای مساعدتری بنا نهاده بودند. ارتش آلمان برای مقاومت در مقابل سرمای سخت زمستان روسیه که از سایر زمستانها سخت تر بود بهیچوجه مهیسا نبود و فقط در نتیجه جمع آوری لباسهای زمستانی بطور اعانه در سراسر کشور آلمان بود که آلمانیها توانستند سربازان خود را از مرگ در سرمای طاقت فرسای اواخر ماه دسامبر و سراسر ماه ژانویه روسیه نجات بخشند. میگویند هر گاه دولت آلمان با وارد آوردن فشار در لهستان و روسیه اشغال شده پوستین و سایر لباس های پشمی جمع آوری نمیشد لباسهای زمستانی که در آلمان جمع آوری شده بود بهیچوجه تکافوی احتیاجات ارتش آلمان را نمی کرد.

روسها از طرف دیگر از جنگ ۴۰ - ۱۹۳۹ خود در فنلاند تجربیات زیادی بدست آورده بودند که اینجاست البته لزومی ندارد که جنگ فنلاند و روسیه مورد بحث قرار گیرد لیکن باین موضوع باید اشاره نمود که چون روسها حریف خود را انقدرها قوی تصور نمی نمودند با استعمال نفرات و سلاح های درجه دوم پرداختند. از نقطه نظر سیاست جنگی و مستور نگاهداشتن اسرار نظامی نیز روسها در این جنگ لشکرها و سلاح هائی را که مخفی نگاهداشتن آنها را لازم میدیدند مورد استعمال قرار ندادند.

با وجود مزایائی که روسها داشتند جنگی که در سراسر ماه فوریه ادامه داشت بنفع آنها پایان نیافت. سازمان دفاعی آلمانیها در نقاط مهم چنان قوی بود که میتوانست حملات ارتش زمستانی سرخ را که دارای سلاح های متوسط بود دفع نماید بطور کلی این نبردها روش جنگ و گریز بخود گرفت. روسها بحملات خود بر راه آهن و خطوط ارتباطی ادامه دادند. هر روز بر قراران و

واکنش‌های مهمات و خواربار آلمانیها حمله برده آنها را منهدم میساختند و موافقی که هوا مساعد بود هواپیماهای روسی بکمک نیروی زمینی بر خاسته به بمباران هوایی میپرداختند آلمانیها برای مقابله با چنین کیفیتی هواپیماهای خود را برای حمل خواربار و نیرو مورد استفاده قرار میدادند. بارها آلمانیها مجبور شدند که از قسمت‌های عقب جبهه برای آزاد نمودن نقطه‌ای که مورد حمله روسها قرار گرفته بود نیرو وارد نمایند. نبرد های موحشی در جنگلها و در تاریکی شب از هر دو طرف ادا داشت و تعداد تلفات بسرعت رو با افزایش مینهاد. نبردهای مزبور رویهم مرفته پیر حمانه، منهدم کننده و وحشیانه بود.

علاوه بر نبردهای خونینی که در بلاذ کر شد عملیات جنگک و گریز قسمتی دیگر از نیروی شوروی را باید بخاطر آورد. این عملیات بی نهایت خطرناک بود و یکی از آلمانیها در روزنامه «دویچه الگماینه تسایتونگ»^(۱) در باره آنها چنین مینگارد:

دسته های سربازان روسی مخصوص جنگ و گریز معمولا در اطراف گردانهای تخریب قرار گرفته و مأمور انهدام میگردند. هر يك از این دسته ها دارای يك یا دو مسلسل سبك يك مسلسل سنگین و يك خمپاره انداز سنگری هستند و هر يك از افراد آن دارای يك پارابلم، از ۲ تا ۴ نارنجك دستی، يك خنجر و مقداری آلات منفجره است. یکی از خصوصیات سربازان مزبور حمل يك بطری مملو از مواد نفتی بنام «کوکتیل مولوتف»^(۲) میباشد. هر دسته از ایستگاهی که معمولا مرداب یا جنگل میباشد شروع بعمل میکنند و این نوع سربازان را معمولا خردسالان، زنان و کودکان سالان راهنمایی مینمایند.

در ماه مارس بتدریج تغییر بزرگی در روش جنگی ایجاد گردید بدین معنی که چون روزها طولتر و روشنتر میشد و وسائل انجام عمل غافلگیری نقصان می یافت و چون بر فها بوسیله آفتاب ظهر شروع بذوب شدن میکرد حرکت نیرو دشوارتر میگردد سرمای فوق العاده صبحها و ذوب شدن برف در بعد از ظهرها موفقیت هر گونه عملیات طولانی نظامی را دچار تردید میساخت. علائم خستگی فوق العاده در طرفین آشکار بود با وجود این «تیموشنکو» هر جا که میتوانست سربازان کوفته و خسته خود را برای حمله سوق میداد تنها چاره روسها جنگ

تدریجی بود. با آنکه بعد از اواسط فوریه روسها آنقدرها موفق به پیشروی نشدهند معینا فشار وارده بر نیروی آلمان را بهیچوجه متوقف نساختند. خبرنکار روزنامه «نویه تسوریخه تسایتونگ»^(۱) راجع بجنک در اوایل ماه مارس چنین مینگارد:

«جنک زمستانی کم کم بجنک تدریجی موحشی تبدیل میگردد. سر بازان آلمانی مأموریت دارند که از برخی از نقاط بهر قیمتی شده دفاع نمایند. بنابراین اغلب اتفاق می افتد که برخی از واحدهای بزرگ از یکدیگر مجزا گردیده و برای نجات خود مجبور بجنکهای دفاعی شوند که اغلب منجر بخونریزیهای شدیدی می گردد.»

همان روزنامه باز مینویسد:

«اکنون یک جنگ انهدامی که در اروپا سابقه نداشته ادامه دارد این طرز جنگ بسیار بیرحمانه است و در طی آن هر یک از طرفین در نهایت قساوت به یکدیگر میبارد و اغلب یکدیگر را بخونریزی آمیخته با جنونی پایان می یابد.»
در اواخر ماه مارس روسها در برخی از نقاط جبهه موفق به پیشروی حقیقی شده بودند. لکن مهمترین موفقیت آنان اشغال «موزایسک» و رفع تهدید از «مسکو» بود. با وجود این نمیتوان گفت که روسها توانسته بودند بمقاصد اصلی خود برسند. در اوایل ماه ژانویه روسها موفق نشدند که از مزایای طبیعی از قبیل سرما و غیره که گمان میکردند یکی از متفقین بزرگ آنان است استفاده کامل نمایند. بدون شك روسها امیدوار بودند که بكمك عوامل طبیعی آلمانیها را انهدام سازند.

«تیموشنکو» اعلام داشته بود که: «شخص میتواند حتی در ۴۰ درجه زیر صفر بجنک ادامه دهد.» آلمانیها در عرض چند هفته زمستان فرصت خوبی بدست آوردند که وضعیت خود را مرمت نمایند. سیستم دفاع زمستانی آلمانیها را باید نمونه جدید و ابتکار نظامی دانست که نتایج کاملا موثری در برداشت استعداد تشکیلاتی آمیخته با سرعت حرکات استراتژیکی و اطمینان بخش بودن نقشه های

تا کتیکی که بوسیله يك سازمان کامل ارتباطی پشتیبانی میشد آلمانیها را قادر ساخت که در مقابل چنین فشاری مقاومت و پایداری نمایند و هراتش دیگری با چنین وضع یقیناً از بین میرفت .
با آنکه روسها بمقاصد اصلی خود موفق نشده بودند معیناً همواره سه هدف را مورد توجه خود قرار میدادند :

- ۱ - مجبور ساختن آلمانیها بادامه جنگ در شرایط فوق العاده نامطلوب برای وارد آوردن تلفات پی در پی از لحاظ نفرات ، ادوات جنگی و هواپیما
- ۲ - وادار نمودن آلمانیها بوارد نمودن نیروی ذخیره خود (که در پشت جبهه برای تهیه حمله جدید در تابستان تمرکز مییافت) بخطوط مقدم جبهه
- ۳ - از هم جدا نمودن مراکز دفاعی آلمانیها بحدی که در بهار نتوانند مشرکاً بحمله پردازند .

در حقیقت نمیتوان گفت که روسها تا چه اندازه در اجرای منظورهای بالا موفقیت حاصل نمودند لکن از طرف دیگر میدانیم که آلمانیها در عرض سه ماه در تحت فشار دائم و سخت روسها قرار گرفته و در مقابل حملات انسان مجبور بتحمل دشواریهای پی در پی بودند .

اکنون موقع آنست که اشغال و کریمه ، بوسیله ارتش آلمان را مورد مطالعه قرار دهیم . پس از آنکه نیروی مهاجم او برزخ و پرکپ ، که در حقیقت دروازه شبه جزیره کریمه را تشکیل میدهند عبور نمود جنگ بشدت ادامه یافت در ۲۸ ماه اکتبر آلمانیها که در آن موقع در امتداد ساحل شمالی دریای آزوف ، مشغول پیشروی بودند ادعا نمودند که پس از غلبه یافتن بر مقاومت سخت و لجوجانه روسها در برزخ موفق بدخول در شبه جزیره گردیدند . این نبرد بینهایت دشوار بود و آلمانیها تلفات سنگینی دادند . موقعیکه مهاجمین وارد شبه جزیره کریمه ، شدند ارتش آلمان و رومانی از هم باز شده یکقسمت بسوی « کرچ » و بقیه سمت جنوب برای حمله بایستگاه دریائی « سباستوپل » بحرکت درآمدند در ۳۱ اکتبر « سیمفروپول » (۱) پایتخت کریمه ، بدست آلمانیها افتاد در عرض هفته بعد اشغال شبه جزیره با اشکالات سختی مواجه گردید . در هشتم ماه نوامبر

ارتش آلمان به «یالتا»^(۱) و «فئودوسیا»^(۲) یعنی بمنطقه زیبای واقع بین تپه های «کریمه» و «دریای سیاه» رسیده بود چهارروز بعد آلمانیها اعلام داشتند که موفق بحمله به «کرج» شهر مستحکم واقع در انتهای خاوری «کریمه» شده اند از طرف باختر هم آلمانیها بسوی «سباستوپول» پیشروی مینمودند لیکن این شهر مستحکم معلوم بود که باین زودیه تسلیم نخواهد شد در روز شانزدهم نوامبر ادعا نمودند که موفق باشغال «کرج» شده اند در صورتیکه طبق اظهار بعدی روسها تخلیه «کرج» در روز ۲۰ نوامبر انجام یافت. حوادث جبهه اصلی و حملات متقابل روسها در امتداد رودخانه «دونتز» باشغال مجدد «رستوف» ممکن است کمک نموده باشد. از این تاریخ بمعد حملات مقطع آلمانیها برای بهبود وضع خود در حوالی شهر مستحکم «سباستوپول» ادامه داشت لیکن در عین حال هیچگونه علائمی راجع بحمله بزرگ و قطعی «سباستوپول» آشکار نبود. اگرچه آلمانیها در سراسر جبهه خاور در مقابل حملات متقابل روسها مشغول عقب نشینی بودند معینا در «کریمه» آثار عقب نشینی بهمیچوجه معلوم نبود. در حوالی ۲۵ ماه دسامبر روسها اعلام داشتند که مشغول دفع حملات سخت آلمانیها در «سباستوپول» میباشد لیکن در ۲۷ دسامبر چنین ادعائی از روسها شنیده نشد. سه روز بعد روسها در «کریمه» بحمله متقابل پرداختند و پس از دو روز جنگ توانستند ادعا نمایند که موفق باشغال «کرج» و «فئودوسیا» شده اند. چنین بمظر میرسد که عملیات مزبور بوسیله نیروی زمینی، نیروی دریائی «دریای سیاه» و نیروی هوائی مشترک انجام گرفته باشد. بهر حال نتیجه حمله رضایت بخش بود زیرا آلمانیها از قطعه زمینی که در سمت خاوری شبه جزیره «کریمه» واقع و بر تنگه بین دریای «آزوف» و «دریای سیاه» مشرف است رانده شده ولی در مقابل ادعا نمودند که موفق به پیشروی قابل توجهی به سوی «سباستوپول» گردیده اند.

در آغاز سال جدید تغییری در وضع طرفین مشاهده نمیشد. در حدود دو هفته در اعلامیه های هیچیک از طرفین سخنی از «کریمه» نبود تا اینکه در ۱۶ ماه ژانویه آلمانیها ادعا کردند که موفق باشغال چند مدخل «سباستوپول» شده اند. روز بعد جنگ سختی دورادور این دژ مستحکم ادامه داشت در حالیکه

روسها هم از طرف دیگر اقدام به بمباران و پیاده نمودن نیرو در شبه جزیره کریمه، نموده بودند. در هیجدهم ماه ژانویه آلمانیها ادعا نمودند که قنودوسیا را اشغال کرده‌اند در حالیکه در دوم ماه فوریه روسها اعتراف کردند که شهر نامبرده فقط چند روز قبل تخلیه شده بود. در همان موقع آلمانیها در طول شمال دریای آزوف، موفق به پیشروی قابل توجهی شدند.

در سراسر ماه فوریه هیچیک از طرفین اطلاعی راجع بوضع حقیقی نبرد در این نقطه از جبهه ندادند با وجود این میتوان گفت که درده روز آخر ماه فوریه جنگ بر حسب مساعدت هوا در حوالی «سباستوپول» ادامه داشت. در اواسط ماه مارس آلمانیها ادعا کردند که در مقابل کرج، موفقیت‌های زیادی بدست آورده و حملات متقابل روسها را در هم شکسته‌اند. از اواسط تا اواخر ماه مارس هیچ گونه تغییری در وضع جبهه کریومه، ایجاد نشد در صورتیکه گزارش آلمانیها پیوسته از نبرد سخت در مقابل کرج، سخن می‌گفت. رویهمرفته میتوان استنباط نمود که آلمانیها در آن موقع مشغول تمرکز نیرو، مهمات و ادوات جنگی در کریومه، بودند که نمیتوانستند بحملات بزرگ اقدام نمایند.

در خاتمه لازم است مختصری راجع بعملیات نیروی هوایی شوروی بیان نمایم. اگرچه هوا آنقدر نامساعد بود که هواپیماها نمیتوانستند بعملیات رزمی بپردازند با وجود این روسها موفق شدند از مزایای هوایی خود مافوق استفاده را بنمایند. میتوان تصور نمود که آلمانیها در عرض این مدت هواپیماهای پستی و آنتهای را که تا اندازه‌ای قابل استعمال بودند وارد میدان عمل نمودند. صدها از این نوع هواپیما از کشورهای مختلف اروپا بدست آمده و در جبهه خاور در اختیار ارتش رومانی و یا سایر متفقین آلمان گذاشته شده بود. هر موقع هوا مساعد بود آلمانیها کوشش مینمودند تا بوسیله نیروی هوایی مهمات، خواربار و نیروی تقویتی بواحدهای دفاعی خود برسانند.

روسها با موفقیت فوق العاده زیاد موفق به پیکار برضد این طرز رسانیدن خواربار و مهمات شدند. روسها مخصوصاً دارای دو نوع هواپیمای یکمنفره بنام MIG و YAK بودند که حتی القوه کمتر وارد میدان جنگ مینمودند در صورتیکه رفته رفته ثابت میشد که هر یک از این دو نوع هواپیما بمراتب بهتر

از هواپیما های آخرین سیستم آلمان می باشد . هواپیماهای مدل MIG دارای موتور است که با آب سرد میشود . سرعت آن زیاد و دارای قدرت مانور فوق العاده است . هواپیما های YAK را باید تقریباً مانند «سپیت فایر» انگلیسی دانست .

اطلاعاتی را که از اعلامیه های آلمان و شوروی بدست آمده میتوان بوسیله سخنرانی پیشوای آلمان در ۲۶ آوریل در مجلس «رایشتاخ» تکمیل نمود .

راجع بسختی جنگ در جبهه روسیه پیشوای آلمان چنین گفت :

« آخرین مرتبه ای که باشما سخن گفتم مصادف با زمستانی بود که حتی در روسیه نیز در عرض چهل سال اخیر نظیر آن دیده نشده بود . بفاصله چند روز ، درجه حرارت از صفر به ۴۷ درجه زیر صفر رسید و در برخی از نقاط برودت هوا ، حتی بیش از این بود چهار هفته قبل از آنکه انتظار میرفت کلیه عملیات جنگی در روسیه بگتتا متوقف گردید نیروی ما که مشغول پیشروی بود نه میتوانست ، جلورودونه آنکه در مکان خود توقف نماید . بنا بر این مجبور بعقب نشینی بخطی ، گردید که از «تاگانروک» (۱) تا دریایچه «لاوا» ادامه داشت .»

« من امروز میتوانم بگویم که این عمل یکی از مشکلترین عملیاتی بود ، که میتوان بمورد اجرا گذارد . لحظاتی یائت میشد که ممکن بود بشرو .»

« ماشین هر دو منجمد شوند و آنها فیکه بسرز زمین پهناور روسیه مینگرد میتوانند ، بمشقاتی که موجب از بین رفتن ارتش فرانسه در ۱۸۱۲ شد پی برند . سنگینی ، اصلی جنگ بر بخش نیروی زمینی ما و واحدهای خارجی وارد آمد . اکنون ، موفق شده ایم خطری را که ما را تهدید می نمود مرتفع سازیم و این فقط و فقط در ، نتیجه رشادت ، وفاداری و قوه استقامت ما فوق بشری سربازان رشید آلمان ، بود . فقط اینها مرقادر ساختند که سدی در مقابل توده های سربازی که دشمن ، پیوسته وارد میدان جنگ مینمود ایجاد نمایم . ماهها سربازان تازه و آموزش ، دیده از داخله آسیا و قفقاز بخطوط ما هجوم میآوردند که فقط نقاط مستحکم ، دفاعی ما میتوانست در مقابل آنان مقاومت نماید .»

بلافاصله «گورینگ» منظره دیگری از جنگ را که از منظره مشروحه بوسیله پیشوای آلمان سخت تر بود بیان نمود و چند روز بعد «گوبلز» در روزنامه «داس رایش» (۲) ، شدت سرما و سختی زمستان روسیه را مورد بحث قرار داد و نه

تنها از پیروزی آلمان سخنی نگفت بلکه فقط اظهار امیدواری نمود که آلمان خواهد توانست وضع فعلی خود را نگاهداری نماید .

از اظهارات سران « نازی » چنین مفهوم میشود که زمستان موجب رنج فوق العاده، تلفات زیاد (هم بوسیله دشمن و هم بوسیله امراض گوناگون) و تقلیل روحیه نفرات ارتش آلمان شد . « هیتلر » در همان سخنرانی « رایش تاک » پس از ستایش سربازان آلمانی و سایر سربازان که در جنگ شرکت جسته بودند گفت که در این پیروزیهای تاریخی و بزرگ در برخی از اوقات استثنائاً ضرورت ایجاد مینمود که من خود شرکت جویم . فقط موقعیکه روحیه افراد بجدا کتر انحطاط میرسید، بانضباط آنان لطمه وارد می آمد و یادار ادای وظیفه و حس وظیفه شناسی آنان خنثی ایجاد میشد و من مجبور باخذ تصمیمات سختی که معتقدم ملت آلمان حق آنرا بمن داده است میشدم ، اگر شایعات مختلف صحت داشته باشد دولت آلمان برای علاج وضعی که نزدیک بانقلاب بود مجبور باجرای تصمیمات سخت شده است چون چنین انقلابی ایجاد نگردید باید اذعان نمود که دستور های « نازی » در فرد فرد افراد رسوخ نموده و این خود بهترین دلیل صحت و نیکی روش آموزش آلمانیها است .

ژنرال « دیتمار (۱) » در یازدهم ماه مه منظره دیگری از جنگ را برای ملت آلمان تشریح نمود . از این سخنرانی برای نخستین بار چنین استنباط میشود که ستاد ارتش آلمان راجع باشتبلاه در محاسبه قدرت ارتش شوروی اعتراف مینماید که این اشتباه برای آلمان نتایج وخیمی در برداشت . ناتمام

